

## زندگی دانیال نبی در دعا

نوشته: فرانک والاس

### ۱- دعا

۲- دعای خصوصی، و همیشگی زندگی شخصی دانیال

۳- دعای گروهی در زندگی دانیال

۴- دعای توبه دانیال

### ۱- دعا

مایل هستم نظر شما را به موضوع دعا جلب نمایم. شاید این یکی از موضوعاتی است که در زندگی مسیحی اغلب نادیده گرفته می شود. اگر ما در اول صبح به دعا نشسته ایم، و خدا را برای غذایی که جهت ما تدارک دیده است سپاس می گوئیم و دوباره هنگام عصر دعا کرده، و او را بخاطر نیکویی و محبتی که در طول روز به ما ارزانی داشته حمد می نمایم، در آنصورت فکر می کنیم که هر آنچه لازم بوده به عمل آورده ایم. به هر حال، من احساس می کنم هر زمان که زندگی و دعای دانیال را مد نظر قرار دهیم، متوجه خواهیم شد هنوز چیزهای بسیاری وجود دارند که باید در زندگی مسیحی انجام پذیرند.

دعا نتیجه نوعی وابستگی حقیقی است. ممکن است برای پیشرفت روحانی شخص ارائه گردد، و یا برای جلال مسیح، و یا برای پیشرفت و خواستهای خداوند بر روی زمین به انجام رسند، اما همیشه باید از روی علاقه و خواسته قلبی افراد باشد. اگر انگیزه ما مبتنی بر این حقایق نباشد، دعای ما بی محتوا و ماهیتی کم عمق خواهد داشت، اما اگر این امور بطور مدام در فکر ما حاکم باشند، بعد از آن متوجه خواهیم شد که دعاهای ما شکلی متفاوت بر خود گرفته اند، و به پری خواهند رسید، نیاز مبرم به آنها احساس خواهد شد، استمرار در آنها بوجود می آید، و از چنین دعاهایی به شدت در آسمان استقبال می شود. دانیال مردی بسیار محبوب بود (۲۳: ۹ و ۱۱: ۱۰ و ۱۹: ۱۰)، و این نه فقط به خاطر رفتار خوب او بود، بلکه بواسطه دعاهای فراوانی بود که او روزانه در بابل و در اسارت به انجام رساند. و نتایج عظیمی برای جلال خدا از آنها حاصل گشت. بنابراین آنچه که امروز می خواهیم مورد توجه قرار دهیم، این نیست که بطور ساده فقط به جنبه تنوریک قضیه نگاه کنیم، بلکه هدف این است که تمایل و اشتیاقی عمیق در قلبهای خود بوجود آوریم که دعاهای زیادی در راستای اراده خدا و برای محیط اطرافمان و برای این سرزمین و سرتاسر جهان داشته باشیم.

ممکن است بگوییم باید شرایط ما از این هم بهتر باشد، چه در مورد تک تک افراد، و یا جماعت مقدسین و ایمانداران بهتر بود ذاتی نیکوتر، زندگی ای پر معنا تر، تلاش و نیروی بیشتری داشتیم. و در زندگی به جای پس رفت و واماندگی، آثار و علائم پیشرفت را شاهد بودیم. آه و ناله ها دائماً به گوش می رسد، چگونه می توان شرایط را بهبود بخشید؟ چطور می شود انرژی بیشتری داشت؟ به چه طریقی می توان وفاداری و ایمان بیشتری را دید؟ چطور می شود جلال فراوان خداوند را مشاهده نمود؟ هر چه بیشتر تدبیر و برنامه ریزی می کنیم، بیشتر بی ثمر بودن آنها را مشاهده می نمایم. ای برادران ایماندار اگر در جماعت خدا را با تشویق به دعا کردن با انگیزه بهتری ایجاد نمایم، شاهد تغییرات زیادی خواهیم بود، خدا با قدرت و حکمت خویش دخالت می کند، و هدایت های لازم را به ما نشان می دهد. و زندگیهای پر ثمری را برای او به بار می آوریم برای او که ما را به طریقی شگفت انگیز متبارک نموده است.

### دعای خصوصی و همیشگی زندگی دانیال

"وقتی دانیال از صدور فرمان پادشاه آگاهی یافت، رهسپار خانه اش شد؛ و سپس به بالا خانه رفت؛ و پنجره ها را که رو به اورشلیم بود باز کرد، زانو زده و دعا نمود. او مطابق معمول روزی سه بار نزد خدای خود دعا می کرد" (دانیال ۶: ۱۰).

من بخشی از فصل ششم را انتخاب کرده ام که دعاهای خصوصی دانیال را نشان دهد و سپس قسمتهای دیگر را بررسی خواهیم کرد. در این بخش، ما به سر واقعی این مرد بزرگ پی می بریم. دانیال در بابل زندانیی بیش نبود ولی با این وجود از قوانین پادشاه آنجا اطاعت نمی نمود، و به قوانین و مقرارتی که به او تحمیل شده بود هیچ گونه پایبندی نداشت، و حقیقتاً دنبال این بود که اراده خداوند را انجام دهد. او خواست خدا را در هر وضعیتی و رویدادی می دانست، و اراده خدا بود که بر او حکمرانی می نمود؛ اگر چه خطر بروز مخالفتها هم بطور حتم وجود داشت. مسلماً او مردی واقعی و وفادار بود.

در این فصل خدا راز قدرت و وفاداری این مرد را برای ما آشکار می نماید. و این عبارت بود از سپری نمودن زندگی خصوصی در دعا که هرگز قطع نمی شد. زمانیکه فرمان پادشاه مبنی بر ممنوع بودن دعا صادر گشت؛ او دعا کرده و خدا را شکر نمود همانگونه که قبلاً این کار را انجام می داد. این دعا در زمانی بود که همه چیز در شرایط عادی قرار داشت و هیچ گونه رویداد و وضعیت مشکلی پیش نیامده

بود. این کار، امری نبود که کسی بر او تحمیل کرده باشد، بلکه از آن لذت می برد. عزیزان من، بیایید زندگی همراه با دعا را بازبینی نماییم، میل و گرایش دانیال را به این کار مشاهده کنیم، که مرتباً روزی سه بار به دعا می نشست. من کاملاً مطمئن هستم که هیچ چیزی نمی توانست مانع لحظاتی شود که دانیال بر روی زانوهای خود مشغول عبادت به درگاه خدای خویش بود. او مرد بزرگی بود، با وجود داشتن مسئولیتهای بالا در دستگاه حکومتی باز می توانست وقت کافی برای دعا بیابد، سه بار در روز، در اوقات معین دعا می کرد. ما نمی دانیم برای چه مدتی این کار را انجام می داد، ولی او دعا می کرد، و این برنامه مشخص زندگی او بود، دعا، دعا، دعا، بعداً ماهیت و چگونگی دعاها را بررسی خواهیم کرد.

در کتاب دانیال آمده است: "او برای خدای خود دعا کرد." من این عبارت را دوست دارم. برای دانیال، خداوند، خدایی دور از دسترس نبود، خدای شخصی او بود، شخصیتی که در رابطه و مشارکت نزدیک با او بسر می برد. برای او خداوند یک واقعیت بود. او خدایی نبود که مانع افکار او باشد، بلکه خدایی بود زنده، و پر جلال که در همه زمانها و در همه شرایط می توانست به او رجوع کرده و جوابی برای خود دریافت نماید. و روزانه با او مشارکت داشته باشد. خدا برای او لذت بخش بود، و خوشی و زندگی او محسوب می شد. آیا تجربه شما در دعا این چنین است؟ آیا خدا به ما نزدیک است و یا دور از دسترس قرار دارد؟ ما به خواهران و برادرانی با چنین درکی از خداوند نیاز داریم، چون خداوند دعای چنین کسانی را می شنود و اگر درخواستشان طبق خواست و رضای او باشد با خوشحالی به آنها جواب می دهد.

پرهیزگاری و عدالت در انسان، گواه از واقعیتی است که نشان دهنده ارتباط او با خداوند می باشد. در حزقیال ۱۴ دانیال به دو نفر دیگر نیز ربط داده شده است، نوح و ایوب، و خداوند می گوید، حتی اگر این سه نفر هم با تمام رستگاری خود باز آیند باز قادر نخواهند بود که اوضاع را در اسرائیل تغییر دهند. اما خدا حتی با به خاطر آوردن این نکته، باز هم توجه ما را به رستگاری این سه نفر جلب می نماید. دانیال مردی پرهیزگار بود، و به همین دلیل، و با دانستن خواست و اراده خداوند طوری زندگی کرد که همیشه و به هر قیمتی اراده خداوند را به انجام رساند، و به همین دلیل دعاها را او قدرتمند بودند.

یعقوب می گوید: "دعای مرد عادل در عمل، قوت بسیار دارد" (یعقوب ۵: ۱۶)، اما در امثال می خوانیم که "دعاهای مردان شرور اعمال شنیع هستند" (امثال ۹: ۲۸). و هم چنین در اول یوحنا آمده "هر چه بر حسب اراده او سوال نماییم، ما را می شنود." (اول یوحنا: ۵: ۱۴). این بزرگترین سر دعا است که حقیقتاً دعاها را ما پاسخ داده می شوند، اگر مطابق اراده خدا باشند.

بسیار واضح است که دانیال، درک و آگاهی کامل از اراده خدا داشت. این موضوع را او با باز نمودن پنجره خود به سمت اورشلیم نشان می داد. آن زمان که معبد خدا وقف گردید، سلیمان به حضور خداوند این طور دعا کرد: "اگر آن زمان رسید که بر اثر گناه، قوم را به اسارت بردند، و از آنجا به طرف این معبد دعا کردند آنوقت دعای ایشان را اجابت فرما، و حقوق آنان را محفوظ بدار، و رحم و مروت در دل آنانکه قوم تو را در اسارت دارند قرار ده. (دوم تواریخ ۶: ۳۶-۳۹). این جا مردی را می یابیم که از دانش دعا برخوردار می باشد. او کلام خداوند را فراموش نکرده است، و دعای سلیمان را از یاد نبرده است. این اراده خدا بود و می گوید، بله، گوش من به طرف معبد خدا خواهد بود، و نه فقط گوشم بلکه چشمم و قلبم نیز پیوسته آن طرف را خواهند نگریست (دوم تواریخ ۷: ۱۲-۱۶).

خداوند به این محل دل بستگی داشت. عدم وفاداری قوم آنان را از آن کانون دور کرده بود، ولی هرگز این حقیقت را تغییر نداد که خداوند به این خانه علاقه داشت و نام خود را بر آن قرار داده بود. و در این جا مردی را در اسارت می یابیم که کلام خدا را بطور کامل می داند و آن را به یاد دارد، و طبق آن کلام دعا نموده و خدا نیز آن را می شنود؛ و درست به همین طریق نیز عمل می نماید. در قفس شیران، و در تمام رویدادها، خداوند به کمک خادم خویش شتافت. خدای او قادر بود که او را نجات دهد همانطور که آن سه مرد جوان را رهانید (دانیال ۳). آه، چه خدای عجیبی است و دانیال این موضوع را ثابت کرد! و آن زمان که پادشاه شبی بدون خواب را سپری کرد دانیال کاملاً راضی و راحت در میان شیران درنده آرامی یافت. خداوند دهان آنها را بسته بود، و قدرت خویش را به نفع خادم خود بکار گرفته بود. چه خدای پر جلالی!

دانیال به علائق خداوند دل بسته بود. سه بار در روز زانو می زد، پنجره خود را به سمت اورشلیم می گشود. من مطمئن هستم که او فقط برای نیازهای شخصی خود دعا نمی کرد، او از خواستهای قلبی خود دست می کشید و برای قوم خدا دعا می کرد که از بند و گرفتاری نجات یابند، او از بند اسارت به بیرون هدایت شد تا فکر خود را در خانه خداوند بکار گیرد، و از اندیشه های خدا که برای مردم خویش تدارک دیده بود لذت برد. من اعتقاد دارم که او در دعاهای خویش در حضور خدا زانو می زد تا از او درخواست نماید تا قوم خود را رهایی بخشد.

و خداوند تمام حقوق خادم خویش را محفوظ داشت. پادشاهانی که دانیال آنان را خدمت می کرد در گذشتند، ولی او با موفقیت ادامه داد (دانیال ۵: ۳۱ و ۶: ۱-۳). تغییر در سلسله حاکمان هیچگونه اثری در زندگی دانیال نگذاشت. او با آرامش و بر حسب اراده خدا زندگی می کرد. مرد عجیبی بود! همه اینها

در نتیجه زندگی همراه با دعا و نیز پرهیزگاری و تمایل او جهت انجام اراده خداوند بود. اینها کارهایی بودند که به طرز شگفت‌انگیزی مورد تایید خدا قرار گرفت و باعث حفظ و پایداری او گردید.

نکته مهم دیگر زانو زدن دانیال در هنگام دعا کردن است. اگر وقت دعایی دارید حتماً زانو بزنید. بگذارید زانوان خود را در حضور خدای عظیم خم کرده و احترام خود را به او نشان دهیم. چون او است که این همه برکت به ما ارزانی داشته است. ما مخلوقی بیش نیستیم، و همه ما نقاط ضعف داریم. چقدر زیباست که در مقابل خدای خود زانو زده باشیم، و با این کار نشان دهیم که خدا برتر مطلق، عظیم، و پر جلال است.

اخیراً فرصتی داشتم که از آلمان و هلند دیدن نمایم. در آنجا جمعی در حدود ۹۰۰ نفر از خواهران و برادران ایماندار را دیدم که هنگام دعا زانو زده و منظره دل‌انگیزی را بوجود آورده بودند. خاطره‌ای بیاد ماندنی در ذهن من باقی گذاشت. یککاش احترام و ارزش نهادن دانیال نیز در ما اثر بگذارد. در اینجا صحبت از دعای خصوصی است، ولی هیچ دلیلی وجود ندارد که حتی در دعا‌های دسته جمعی نیز چنین دعا نمود. **آقای ث.ا.چ. مکتناش** عقیده داشت که زانو زدن در موقعیت‌های نامناسب بی حرمتی نیست، اما اگر زانو بزینم موضع ما را در مقابل این خدای عظیم و پر جلال نشان می‌دهد، او که به صورت نامحدود و بی اندازه‌ای فراتر از ما است.

این به زانو نشستن در دعا یک عمل فیزیکی است ولی نشانگر شناخت ما از برتری و عظمت خدای ابدی می‌باشد. آیا شما هرگز اجبار و احساسی درونی را برای زانو زدن داشته‌اید؟ منظور من اجبار به زور نیست، بلکه احساس و تمایلی از درون است که فکر می‌کنیم باید این کار را انجام داد. شاید بتوان در یک وضعیت معمولی دعا نمود، اما خداوند به نوعی در کلام خود خاطر نشان می‌سازد: در حضور من هیچ چیز، معمولی نباید باشد. در حضور من احترام بگذارید تا بدین طریق برتری مرا تأیید کرده باشید. و ما نمونه‌های خوبی داریم، برای مثال، خداوند عیسی مسیح را می‌بینیم که خود، با آن جایگاه بلند و رفیع اش، در باغ جتسیمانی زانو زده است. آنجاییکه صلیب را با همه وزنش حمل می‌کرد به زانو افتاد، او زانو زده و دعا نمود (لوقا ۲۲: ۴۱). پولس رسول (اعمال رسولان ۲۰: ۳۶)، سلیمان (دوم تواریخ ۶: ۱۳)، عزرا در (عزرا ۹: ۵)، و خیلی‌های دیگر در مقابل خدای پدر و عیسی مسیح به زانو افتاده‌اند.

و نهایتاً "او روزی سه بار زانو زده و به دعا نشست و خداوند را شکر گفت". دانیال در اسارت به سر می‌برد. شاید او می‌توانست مقام بالایی داشته باشد، ولی این اجازه را نداشت که به عنوان یک شهروند به کشور خویش مراجعه نموده و از امتیازات آن بهره‌مند شود. اما همچنان دعا می‌کرد و خداوند را

سپاس می گفت. در عین حال که اراده خدا را در مورد شرایطی که برای او و قوم او پیش آمده بود، تایید می نمود، باز هم خداوند را برای لذتی که از مشارکت با او داشت شکر می کرد. بله، دوستان گرامی، این درس بسیار با ارزشی است. ویژگی دعاهای دانیال بسیار آموزنده و جالب است. گاهی از خودم می پرسم و از شما نیز این سؤال را دارم، آیا زمان کافی در دعا سپری می کنیم؟ باشد که دعای دانیال ما را به تحرک وادارد تا در خانه ها، و در جلسات دعا ما هم مانند او عمل نماییم.

با وجود اینکه دانیال در خلوت خود دعا می نمود، اما ما می توانیم این کار را در خانه ها و در جلسات مشارکتی نیز انجام دهیم. امروز صبح با هم اطاقیم زانو زده و دعا کردیم چقدر لذت بخش بود وقتی با هم نیازهای خود را از خدا درخواست می کردیم. خدا را شکر برای خانواده هایی که زن و شوهر با هم (حتی فرزندان، اگر ممکن باشد) زانو زده و با هم برای موضوع معینی دعا کرده و تا حصول جواب به دعاهای خود ادامه می دهند. (مگر موردی غیر عادی اتفاق بیافتد که خواست خداوند بوده و او خود همدردیهای لازم را خواهد نمود). زمانی که مردان جوان راه و روش دعا را برای خود انتخاب می کنند، هنگامیکه به سن پیری می رسند ادامه این روش برای آنان بسیار ساده خواهد بود. در مجموع، دعا قدرت ما می باشد. دعاهای خاص برای نیازهای مخصوص، و نه فقط برای احتیاجات گروهی، بلکه به خاطر مسائل جهانی و بین المللی هم کارکرد فراوان دارند.

من بار دیگر بطور خلاصه اشاره ای به کار دانیال در دعای وی و اینکه پنجره اطاق خود را به سمت اورشلیم باز می نمود خواهم نمود. اول از همه، او به فکر سرزمین پدری خود می باشد. سرزمینی که بخاطر عدم وفاداری قوم به خداوند، خالی از سکنه شده است. این زمین عالی بود. شیر و عسل در آن جاری بود، ولی چیزی عظیمتر از در آن سرزمین وجود داشت. آنجا سرزمین خدا بود، "این سرزمین مال من است" (لاویان ۲۵: ۲۳)، و او به عنوان پادشاهی نیکو آن کشور را به قوم اسرائیل بخشید. و آنجا را به این مردم اهدا نمود نه بخاطر اینکه آنها قومی بزرگ و یا بهتر از دیگران بودند (در واقع آنها از سایر ملل اطراف خود کوچکتر بودند- تثییه ۷: ۷) بلکه خداوند آنجا را به عنوان هدیه به آنان داد. در واقع نوعی میراث محسوب می شد، و تمام افکار خداوند در آنجا متمرکز شده بود، و دانیال برای چنین سرزمینی دعا می نمود.

پس دانیال بطور مخصوص برای اورشلیم دعا می کند چون نام خدا و علائق او در آنجا ساکن شده بود، و دانیال بطور جداگانه برای محلی دعا می کند که نام خداوند را بر خود داشت (دوم تواریخ ۶

۱۲). و در آخر دانیال برای نام یهوه دعا می کرد. به این چیزها خوب فکر کنید، شهر، خانه و نام خدا. و من ایمان دارم که اینها مواردی می باشند که دعای دانیال را منحصر به فرد کرده است.

اما امکان دارد، شما بگویید، که اینها به گذشته ها مربوط می شود. امروز چه معنایی برای ما می تواند داشته باشد؟ من ایمان دارم که مفهومی پر معنا دارند. ما در شروع جلسه با هم سرود می خوانیم؛ و برای نجات جانهای با ارزش با هم دعا می کنیم. هرگز اجازه ندهید این موضوع در دعاهای مان فراموش شود. زیرا که بسیار به آن نیازمند هستیم، اما مسئله دیگری وجود دارد که بزرگتر از همه اینها است، و آن حق حاکمیت خداوند است که برای ما از کلام زنده اش مکشوف گشته است. خداوند اشاره داشته که مسیحیان چگونه باید بنام عیسی مسیح گرد هم جمع شوند (متی ۱۸: ۲۰)، تجمعی که به هیچگونه سازماندهی انسانی شبیه نباشد، و از نظر سلسله مراتب اداری آنگونه که در این جهان رسم است عمل ننماید. خداوند برای اینگونه موارد دستورات دقیقی صادر نموده است.

امروزه کلیسا "سرزمین" خداوند است و فرزندان او که بوسیله خون عیسی مسیح به این سرزمین آورده شده اند، کانون توجه و دل بستگی های او را تشکیل می دهند. مسیح سر کلیسا است و این نشانه محبت او می باشد. با قدرت و عملکرد روح القدس، کلیسا جایی است که مسیح را می شود یافت. "آنجا که دو و یا سه نفر به اسم او جمع شوند" (متی ۱۸: ۲۰). من بر این باورم که امروزه این کلیسا تداعی کننده آن سرزمین، شهر، و خانه و اسم برای ما می باشد. آن ها بوسیله قدرت دشمن مورد حمله قرار می گیرند ولی همه در مسیح محافظت شده و هرگز از بین نخواهند رفت.

آنچه که در این روزها باید انجام دهیم این است که در نام عیسی با محبت جمع شویم. جماعتی که بدون برنامه ریزی توسط سازمانهای انسانی شکل گرفته باشد و مسیح سر آن باشد و جایکه روح القدس بدون مانع در میان مردم خویش در حرکت بوده و به آنها الهام بخشیده و هدایت نماید و جایکه همه ما بوسیله نام عیسی مسیح کنترل می شویم؛ همه چیز در سازگاری با آن نام گفته شده و انجام پذیرد. آیا امید داشتن به چنین نامی در این روزهای آخر، باشکوه نمی باشد؟ مسلماً اگر مطیع بوده و اگر کلام خدا را به عنوان راهنمای خود انتخاب کنیم، و اگر آماده شده ایم که خواست خود را تسلیم اراده او که آن را در کلام گرانبهایش برای ما مکشوف نموده است بکنیم، این صرفاً یک ایده ال نیست. بلکه امکانی با شکوه است، و چقدر عالی خواهد بود اگر به حقیقت پیوندد که در روزهای آخر قبل از پایان دوره کلیسا بیداری و اشتیاق به این حقایق شگفت انگیز افزایش یافته تا آن موقع که خداوند بازگشت نماید کسانی را بیابد که به کلام او وفادار مانده اند.

بله، مردان شرور که در پی دانیال بودند او را در حال دعا یافتند. سعی و کوشش آنان در قدغن نمودن دعا به جایی نرسید، و دانیال به دعا کردن در پیشگاه خدای خویش ادامه داد. زمانی رسید که آنان دانیال را دستگیر کرده و او را در لانه شیران انداختند، و ما بقیه داستان را می دانیم، خداوند خادم خویش را حفظ نمود.

### دعای گروهی در زندگی دانیال

دانیال از پادشاه درخواست نمود که مهلت به وی داده شود تا تعبیری را برای پادشاه اعلام نماید پس دانیال به خانه خود رفته، رفقای خویش حَنّیا و میثائیل و عَزْرَیا را از این امر اطلاع داد، تا درباره این راز از خدای آسمانها رحمت بطلبند مبادا که دانیال و رفقایش با سایر حکیمان بابل هلاک شوند. آنگاه آن راز برای دانیال در رؤیای شب مکشوف شد. پس دانیال خدای آسمانها را متبارک خواند و گفت: "اسم خدا تا ابدالآباد متبارک باد زیرا که حکمت و توانایی از آن وی است. و او وقتها و زمانها را تبدیل می کند. پادشاهان را معزول می نماید و پادشاهان را نصب می کند. حکمت را به حکیمان می بخشد و فطانت پیشه گان را تعلیم می دهد. اوست که چیزهای عمیق و پنهان را کشف می نماید. به آنچه در ظلمت است عارف می باشد و نور نزد وی ساکن است. ای خدای پدران من تو را شکر می گویم و تسبیح می خوانم زیرا که حکمت و توانایی را به من عطا فرمودی و الآن آنچه را که از تودرخواست کرده ایم، به من اعلام نمودی، چونکه ما را از مقصود پادشاه اطلاع دادی." (دانیال. ۲: ۱۶-۲۳).

زمانیکه نبوکدنصر پادشاه خواب عجیبی دیده بود و او خواستار تعبیر آن شد، و هیچ گونه آگاهی و اطلاعی از خوابش به منجمین و طالع بینها و حکیمان نداد. او گفت شماها باید به من بگویید که چه خوابی دیده ام و همچنین آن را تعبیر نمایید. این برای آنها کار بسیار دشواری بود. زمانیکه هیچ یک از آنها نتوانستند از عهده این کار بر آیند، پادشاه دستور کشتن تمام حکیمان و از جمله دانیال و دوستانش را صادر کرد. پس دانیال و دوستانش با هم به دعا نشستند. این موضوع مسئله ای شخصی نبود، بلکه امری مهم در مورد گروهی از افراد بود. و دانیال وضعیت را برای دوستان خود تشریح کرد.

اسامی یاران دانیال تغییر یافته بود، و توسط مقامات بابلی به آنان نامهای جدید داده شده بود که آنها را به خدایان خود وصل می نمودند. ولی روح خدا در اینجا برای ما اسامی یهودی آنها را ثبت نموده که ارتباط آنان را با خدای زنده نشان دهد. این افراد دور هم جمع شده و برای موضوع مورد بحث، دعا کردند، آنها در دعا با هم مصاحبت داشتند، و خواب پادشاه برای دانیال مکشوف گشت. و این نکته بسیار شگرفی جهت حمد و ستایش این خدای عظیم است که بعداً دانیال به انجام رساند، چون او خدایی بود که می توانست هر کاری انجام دهد. آه، اگر بتوانیم این مورد را در درون خود بپذیریم،



که خدا می تواند چیزها را تغییر دهد و او قادر است شرایط بهتری را پیش آورد، می تواند حکمت دهد، فهم و دانستن و قدرت عطا نماید، آن زمان که ما او را تائید نماییم و از او اطاعت کنیم، و آماده شده یا بطور انفرادی و یا بصورت دسته جمعی بگوییم، "زندگیهای ما در دست تو باشد ای خدای بزرگ".

به خاطر دارم زمانیکه از نزدیکی کلیسای رد می شدم پوستری در بیرون آن نصب شده بود، که مرا بسیار متعجب کرد. بر روی آن چنین نوشته بودند: "اجازه ندهید خداوند چرخ زاپاس باشد". چون چرخ زاپاس فقط در شرایط اضطراری بکار گرفته می شود. این آن خدایی نیست که ما می خواهیم، ما خدایی می خواهیم که در قسمت فرمان ماشین زندگی ما باشد، کسیکه تمام کنترل ما را در اختیار دارد، و ما را هدایت می کند، و ما به او وابسته باشیم. بنابراین دانیال و آن سه نفر از همراهان او با هم به دعا نشستند و خدا نیز به آنان جواب داده، و پرده از خوابی که پادشاه دیده بود برداشت و تعبیر آن را نیز به دانیال آموخت.

از شما می خواهم به پاسخی که دانیال برای آن مکاشفه به خدا داد توجه نمایید. "تا ابد الابد نام خداوند متبارک باد: چون حکمت و قدرت از آن اوست". این واقعاً همه آن چیزی بود که دانیال به خدا می گفت: "خدایا این موضوع برای تو خیلی ساده است". و راز خواب کشف شده و تعبیر آن به انجام رسید. و این جواب بسیار سریعی بود که خداوند به دعای دانیال پاسخ گفت.

و بعد او ادامه داد: "خداوند اوقات و فصلها را تغییر داد: او پادشاهان را از تخت پادشاهی بر داشته، و کسان دیگر را به پادشاهی منصوب کرد". شاید حکمرانان قدرتمند باشند، با عظمت و نیرومند، و به نیرو و لشکرها و ثروت خود فخر نمایند. اما خداوند می تواند در یک شب آنها را برداشته و کس دیگری را بجای آنان منصوب کند؛ همانطور که در دانیال ۵: ۳۰-۳۱ انجام داد. آه، چقدر انسان در پیشگاه خداوند حقیر است! او چه قدرتی دارد! در کتاب مقدس و در تاریخ می بینیم که ماهیت انسان چگونه است، او خود را بالا انگاشته و در غرور و خودبینی که به همراه دارد مرتباً می گوید این را اینگونه انجام می دهم و آنرا آنطور، ولی خداوند همه چیز را یک روزه عوض می کند. این است آن خدای که به او ایمان داریم.

"او اسرار و چیزهای عمیق را مکشوف می سازد". اگر ما فقط این مورد را در زندگی خصوصی و گروهی خودمان بکار گیریم متوجه این حقیقت خواهیم شد که چه قدر پیشرفت کرده ایم. آیا باز هم اینگونه نتیجه گیری خواهیم نمود که در زندگی خود دیگر جایی برای پیشرفت روحانی وجود ندارد؟

و یا آیا باز هم می توانیم از نظر روحانی گامی به جلو نهیم؟ آیا در لحظه های شکست و ناکامی به خداوند زنده اعتماد داریم، که قادر است همه چیز را تغییر دهد؟ او می تواند هم شرایط فردی ما را و هم اوضاع کلی را دگرگون نماید. این است خدایی که دانیال به او اعتقاد داشت. آیا حاضریم برای دعا بها پرداخته، و اوقات بیشتری به آن اختصاص دهیم و زمانی که خداوند اراده خود را برای ما مکشوف می سازد، آیا حاضریم از آن اطاعت کنیم؟

### دعای توبه دانیال

"در سال اول پادشاهی داریوش مادی پسر خشایار شاه که بر بابلها سلطنت می کرد، من، دانیال وقتی کتاب ارمیای نبی را می خواندم، فهمیدم که طبق کلامی که خداوند به ارمیای نبی گفته بود، اورشلیم باید مدت هفتاد سال ویران باقی بماند. پس در پیشگاه خداوند دعا و زاری کردم، روزه گرفتم و پلاس پوشیدم، خاکستر بر سرم ریختم و در دعا به گناهان خود اعتراف نموده گفتم: ای خداوند تو خدای بزرگ و عظیم هستی. تو همیشه به پیمانهایت عمل می کنی و به کسانی که تو را دوست دارند و از اوامر تو اطاعت می کنند، محبتی پایدار نشان می دهی. اما ما گناه کرده و شرارت ورزیده ایم، ما از دستورات تو سر پیچی کرده به راه خطا رفته ایم. ما به سخنان انبیایی که از طرف تو بودند و کلام تو را به پادشاهان و بزرگان قوم و اجداد ما بیان کردند، گوش ندادیم.

در حالیکه مشغول دعا بودم و به گناهان قوم اسرائیل اعتراف می نمودم و به حضور خداوند، خدای خود برای معبد بزرگ التماس می کردم، جبرائیل که او را قبلاً در خواب دیده بودم، با سرعت پرواز کرد و هنگام قربانی شام پیش من آمد و به من گفت: ای دانیال من آمده ام که به تو دانش و فهم ببخشم تا بتوانی این اسرار را بفهمی. در همان لحظه ای که مشغول دعا شدی، دعای تو مستجاب شد و من آمده ام تا به تو خبر دهم، زیرا خدا ترا بسیار دوست دارد. پس اکنون توجه کن تا آنچه را که در مورد خوابت می گویم، بفهمی." (دانیال ۹: ۱-۶ و ۲۰-۲۴)

بسیاری از مواقع، هنگامی که در دعا می باشیم از آنچه در حال انجام است بی خبر هستیم. درست در زمانی که دانیال در حال دعا نمودن بود، خداوند مشغول کار بر روی روح کورش پادشاه بود. او کورش را هدایت می نموده تا یهودیانی را که در بابل در اسارت به سر می بردند، به سرزمین اجدادی خود برگرداند. پادشاه در حال امضای فرمانی بود که یهودیان را آزاد کرده و به آنان اجازه می داد که به اورشلیم مراجعه نمایند. دانیال از این موضوع بی خبر بود، اما او یک چیز را خوب می دانست که خداوند دقیقاً گفته بود بعد از هفتاد سال اسارت، بازماندگانی از قوم یهود به کشور خود باز خواهند گشت. دانیال این اطلاعات را در کتاب (ارمیا ۲۵: ۱۱) خوانده بود. این موضوع به ما نشان می دهد که دانیال کتاب مقدس را مطالعه کرده و از افکار خداوند آگاهی داشت.

حال به یک اصل اساسی پی می بریم. آیا افکار خداوند را می دانیم؟ چگونه می شود به آنها واقف شد، آیا می توان آنها را از حکمای فلسفه این جهان یاد گرفت؟ خیر، امکان ندارد. فقط یک منبع است که می شود از طریق آن افکار خدا را درک نمود، آن نیز کلام خدا است. و نه صرفاً در شریعتی که به اسرائیل مربوط می شود، و نه به تاریخی که در ارتباط با این قوم وجود دارد که ما درسهایی از آن یاد می گیریم، بلکه در عهد جدید، که در آنجا جایگاه واقعی فرد مسیحی را در این دنیا می یابیم، و از امتیازات و مسئولیتهای او با خبر می شویم. این جا مکانی است که از افکار خداوند آگاه می شویم، و به موازات آن فیض را جستجو کرده و برکات خداوند جاری می شوند. بنابراین دانیال به این موضوع پی برده بود و متوجه شد که زمان آن کامل گشته است. او همیشه با افکار خداوند یک دل بود. و حالا می دانست که زمان موعود فرا رسیده است. پس با کوششی فروتنانه صورت خود را بر زمین نهاده و در مورد این مسئله خاص در پیشگاه خدای خویش به دعا نشست.

خیلی زیبا است که او دعای خود را با تمامی دل و همراه با توبه شروع نمود. او خود را از بقیه قوم جدا ندانست، و گناه را به گردن اشخاص بخصوصی نینداخت، بلکه تصویری از کل مسئله ارائه نمود، که آن هم خطا و ضعف قطعی قوم بود. او این موضوع را آزادانه در پیشگاه خدای خویش به میان آورد. با این وجود می دانست که خداوند بسیار رحیم است، خدایی است بخشنده، خدایی که وعده های خود را در مورد قوم به انجام رسانیده است، خدایی که آماده بود تا برکت دهد، از گناهان بگذرد، و آماده بود که بشنود. نمی خواهیم که وارد جزئیات این دعا شویم، اما توصیه می کنم که آنرا با دقت بخوانید. نکته ای که این دعا را به ما مربوط می کند این است: "ما گناه کرده ایم، ما شرارت کرده ایم، خطاکار هستیم، و بی وفایی نموده ایم".

من مایل هستم این سؤال را بطور دسته جمعی و یا فردی پیرسم، که آیا کسی از ما جرأت خواهد داشت که برخاسته و بگوید من خطا نکرده ام؟ فکر نمی کنم کسی چنین ادعایی نماید. و می خواهم به شما اطمینان دهم که اگر شما برخاسته و اعلام نمایید که خطا کرده اید من نیز همراه شما به پا خاسته و بر علیه خود اعتراف خواهم نمود. من از این موضوع متأسفم، ولی هر گونه عملکرد ناصحیح ما، چه اخلاقی و چه اجتماعی، و یا به هر طریق دیگر، اثرات معکوسی از مسیحیت را در دنیای پیرامون خود بر جای می گذارد. فکر نکنیم که می توانیم به هر گناهی و یا خطایی دست بزنیم و هیچ نتیجه منفی هم عاید ما نگردد. حقیقت این است که هر گونه خلافی از ما، شهادت منفی بر علیه مسیحیت خواهد بود. این موضوع بسیار جدی است. امکان دارد فکر کنیم، خوب، من که این کار را نکردم، و فلان خطا هم از من سر نزده است، و ممکن است گاهی نیز چنان به یکدیگر خرده گرفته بگوییم، من عاری از این

ایراد هشتم (بطور فردی)، اما دوستان عزیزم، بیایید همه با هم خود را در نور پر فروغ حضور خداوند بیازماییم.

بودن در حضور خدا بهترین وسیله است که می توان بدان خود را شناخت. بیایید به حضور او دعا کرده و ببینیم که او به ما چه خواهد گفت. آه، در حضور خداوند بودن چه امر سنگینی است! بنابراین وقتی زندگی مسیحی خود را پر از ضعف می بینیم، دیگر نباید از دیگران ایراد گرفت. دانیال چنین گفت، "من به گناه خود اعتراف می کنم". و ما نیز وقتی به گناهان خود اقرار نمودیم، باید با فهم و دانش راه صحیح و کلام خداوند را دنبال نماییم، و شرایط بهتری را برای خود بوجود آوریم. آه، دانیال چه دعایی در پیشگاه خداوند کرد، و خداوند جواب او را چنین داد "ای، مرد، بسیار محبوب". دانیال کسی بود که در وحله اول آرزوی پیش برد اراده و خواست خداوند را داشت.

به این گفته دانیال، توجه نمایید، "پادشاهان به خطا رفته اند" پادشاهان چه کسانی می باشند؟ (اشاره من به جامعه مسیحی است). آنان رهبران این جوامع می باشند، افرادی هستند که باید نیت و رای خداوند را بدون کم و کاست اعلام نمایند؛ بزرگان و رهبران باید کلام خداوند را به اجرا گذارند. منظور من از کلمه اجرا این نمی باشد که دیگران را امر و نهی کنند، بلکه آنها باید کلام خدا را به فرزندان خدا عرضه نمایند. و اینکه در روزگار ما انجام اراده خداوند چه معنی و مفهومی دارد. دانیال گفت، "بزرگان ما به خطا رفته اند" آیا در جوامع مسیحی این مورد صحت دارد؟ من فکر می کنم حقیقت دارد. رهبران امروزی را در نظر بگیرید، افراد با نفوذ در میان فرزندان خداوند، کسانی که این موقعیتها و منصب ها را خداوند برایشان در نظر گرفته است.

در کتاب اعداد می خوانیم که خداوند اغلب حکمرانانی جهت انجام خواسته های خویش منصوب نموده است. ولی آنان به خطا رفته اند. نه تنها اعمال این حاکمان مورد قبول خداوند قرار نگرفته، بلکه باعث شده اند تا مردم نیز به خطا روند. حتی ممکن است هر کدام از ما هم به نوبه خود شکست خورده باشیم. پطرس نمونه رهبری بود که ناتوان شده بود. او مومنین را به گمراهی کشاند، و در موردی باعث به خطا رفتن بارنابا نیز شد (غلاطیان ۲: ۱۱-۱۴). زمانیکه تاریخ بیداری روحانی ۱۵۰ سال گذشته را مرور می کنیم، و دور شدن دائمی از حقیقت را ملاحظه می نماییم، شرمسار شده و سر خود را نمی توانیم بالا بگیریم. و می گوئیم، "چه قدر خوب می شد که حقیقت راستین را حفظ می کردیم." و همه باید مسئولیت این شکست را بپذیریم.

شکست و انحراف در زمان دانیال فقط مختص به آن زمان که آنها در بابل بودند، نبود و همچنین فسادى که اکنون رو در روی ما است نیز در یک شب به وجود نیامده است. دلیل بسیار ساده ای دارد: به کلام خداوند کم توجهی شده بود. دانیال گفت "ما به رسولان گوش فرادادیم"

زمانیکه کلام خداوند به وضوح و در کمال قدرت موعظه می شد کسی به آن توجه نکرد، آنان چنان غرق در مسائل خود بودند که وقتی برای شنیدن کلام خدا نداشتند. و آن زمان که وارد سرزمین موعود شده بودند طمعکاری بوسیله عخان را می بینیم (یوشع ۷)، و این تمایلات مادی در آغاز دوران کلیسا، توسط حنانيا و سفیره نیز تکرار گردید (اعمال رسولان ۵)، و به این علت بود که کلام خدا را نادیده گرفته بودند. و تعجبی نخواهد داشت اگر در این مواقع دست خداوند را بالای سر خود بینیم. پس، بیایید اعتراف کنیم، و این فروتنی را برای خود در پیش بگیریم. این کار به سوی دیگران نگاه کردن و آنها را مسئول دانستن نیست، بلکه بیایید این مشکلات را به وجدانهای خود بسپاریم و آنها را به قلبهای خود واگذار کنیم، و با فروتنی آنها را به پیشگاه خداوند ببریم.

می خواهم داستانی را جهت تشویق شما بیان کنم. زمانیکه من در آلمان بودم با یک مرد جوانی آشنا شدم که گفته می شد از بهترین دانشجویها است. و به من گفتند که به چه چیزهای مختلفی علاقمند است. بعلاوه او مدت یک سال است که به عیسی مسیح ایمان آورده و مرتباً در مراسم عشای ربانی و پاره کردن نان با سایر برادران ایماندار مشارکت دارد. و داستانی را برایم نقل کردند که قلب مرا لمس نمود. و به همین علت می خواهم آنرا برای شما بازگو نمایم. زمانیکه او در کالج مشغول تحصیل بود، با زن جوانی بر خورد نمود که با همه تفاوت داشت. او آن خانم جوان را دقیقاً زیر نظر گرفت و باز متوجه شد که با همه فرق دارد. اخلاق و عادات و ظاهر و همه چیز او متفاوت بود. عاقبت حس کنجکاوی او را برانگیخت و پا پیش گذاشته و علت را جویا شد؟ "چرا شما با دیگران فرق داری؟" "من متوجه شدم حتی طرز آرایش موها و نوع لباس پوشیدن شما نیز با دیگران یکی نیست."

او جواب داد، خوب، "من یک ایماندار در عیسی مسیح هستم."

مرد جوان گفت، "آیا مجبور هستی که این کارها را انجام دهی؟"

آن خانم جواب داد "نه، این ها را انجام می دهم چون خداوند عیسی را دوست دارم."

و این همه آنچه بود که مرد جوان به عنوان بشارت شنیده بود. شهادت در مورد مسیح همیشه با سختی همراه نخواهد بود (خدا را شکر برای آنها)، اما نجات زمانی در زندگی شخص می آید که به مسیح ایمان آورد. آن مرد جوان به پیش می رود، او در زندگی روحانی خود رو به پیشرفت است. نتیجه ایمان به مسیح را دیده است، و دلیل تبدیل او نیز همین امر بوده و اکنون در زندگی او، عیسی حاکم

است. ای برادران ایماندار من، باشد که خداوند ما را یاری دهد که وفادار باشیم او بر آنهایی که نزدیک ما هستند تأثیر بگذاریم که به سوی مسیح هدایت شوند.

باشد خداوند ما را یاری دهد که در این موضوع بسیار مهم دعا هرچه بیشتر عمل نموده و با تجربه شویم. شرایطی صحیح داشته باشیم، و اشتیاقی درست، و به نوعی زندگی نمائیم که قدرت دعا ما را بالا برده، و منتظر روزی باشیم که خداوند را رو در رو بینیم.